

کالبدشکافی توسعه از منظر داگلاس نورث با تحلیل انتقادی

گفتمان نهادگرایی نوین: درسی برای ایران

قاسم امامی^۱، سید مصطفی ابطی^۲، مسعود مطلبی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲

چکیده:

یکی از جدیدترین رویکردهای نظری در حوزه توسعه، نظریه نظم اجتماعی داگلاس نورث می باشد. هدف این مقاله کالبدشکافی نظریه توسعه از دیدگاه نورث است. براساس الگوی نظری نورث، جوامع جهان سوم جهت دستیابی به توسعه باید به «نظم دسترسی باز» روی آورند. علاوه بر آن، نهادها و دولت کارا، نحوه توزیع رانت و مهار خشونت تعیین کننده توسعه است. رویکرد مطالعه حاضر این است که هسته قدرت نقش محوری در توسعه دارد. در این مدل نظری، برای رسیدن به توسعه نه الگوبرداری از دیگران، بلکه توجه به درون مورد تأکید قرار گرفته و ائتلاف ها و رانت مولد و سازمان گزایی مورد تأکید می باشد. هدف دیگر این پژوهش، درس آموزی از نظریه «نظم اجتماعی نورث» جهت توسعه یافتگی کشور ایران مد نظر می باشد. اهمیت این کار، استفاده از یک نظریه آزمایش شده برای مطالعه توسعه در ایران و یافتن راه کارهای کارآمد جهت برون رفت از چالش های متعدد ناکارآمدی سیستم می باشد. نظریه نظم اجتماعی، نظریه ای موفق در دستیابی به توسعه برای برخی کشورهای شرق آسیا به شمار می رود. یافته ها و نتایج حاصل از بکارگیری روش توصیفی-تحلیلی در این پژوهش حاکی از آن است که (۱) داشتن الگوی بومی؛ (۲) وجود جامعه دمکراتیک و سیستم باز؛ (۳) دوری گزینی از شخصی گزایی؛ (۴) وجود ائتلاف و همدلی؛ (۵) وجود مناسبات رانتی از نوع رانت مولد؛ (۶) توجه به تاریخ و فرهنگ؛ (۷) حاکمیت قانون و تقویت حقوق مالکیت کار و (۸) تقویت و بهبود کارکرد نهاد دولت درس های مهم در دستیابی به توسعه ایران می باشد.

واژگان اصلی: نظریات توسعه؛ کالبدشکافی توسعه؛ نظریه نظم اجتماعی نورث؛ درسی برای ایران.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) m-abtahi@srbiau.ac.ir

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱. بیان مسأله

مطالعات نوین توسعه بر اهمیت و ضرورت رویکرد نهادگرایی نوین به عنوان عامل کلیدی در تبیین سیاستگذاری توسعه کشورها تأکید دارند. تجارب توسعه کشورهای شرق آسیا مثال بارز توفیق نظریه مذکور می باشد که زمینه بهبود کیفیت نهادی و افزایش کارآمدی دولت ها را در تحقق و دستیابی به توسعه نمایان می سازد. در همین راستا داگلاس نورث از پیشگامان و سرآمدان نهادگرایی نوین نظریه جدیدی در باب توسعه تحت عنوان «نظریه نظم اجتماعی» برای کشورهای در حال توسعه مطرح نمود. نورث توسعه را فرآیند مهار خشونت و گذار از «نظم دسترسی محدود» به «نظم دسترسی باز» تعریف می کند و معتقد است دولت ها، نقش کلیدی در ریل گذاری توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها دارند. وی، بیش از هر چیزی بر کیفیت نهادی، امنیت مالکیت، حاکمیت قانون، تقویت رقابت و بخش خصوصی فعال تأکید دارد.

مطالعات گسترده درباره بررسی سیاست های اقتصادی و اجتماعی دولت ها در ایران، جهت دستیابی به توسعه و رسیدن به وضعیت مناسب حداقلی، بیانگر آن است که ابرنهاد دولت در ایران توسعه گرا نبوده و از کیفیت نهادی مناسب جهت توسعه یافتگی برخوردار نیست. هر چند دولت ها در ایران، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی، نقشی محوری در برنامه ریزی توسعه داشته اند، بخصوص پس از انقلاب اسلامی، خرده گفتمان های مختلفی نظیر گفتمان ایدئولوژیک ارزش محور، گفتمان سازندگی، گفتمان اصلاحات، گفتمان اصولگرایی عدالت خواه و گفتمان اعتدال هر کدام در حد مقدور جهت دستیابی به وضع مطلوب تلاش نموده اند. اما هیچ یک از آن ها از نظم دسترسی محدود فراتر نرفته و دارای الگوی بومی و برنامه مدون و علمی نبوده و به صورت جزیره ای عمل نمودند و عمدتاً نگاه برون زا، تقلیدی و رشد محور داشته اند. بخش زیادی از اقدامات اقتصادی و اجتماعی دولت ها در ایران معطوف به اهداف کوتاه مدت بوده و وجود معضلاتی نظیر رشد نقدینگی، فقر، تورم و مانند آن ها ارتباط موثر و مستقیمی با ساختار دسترسی محدود دارد که عواملی مثل شخصی گرایی، درگیری و رانت نامولد در ایجاد چنین وضعیتی موثر بوده اند.

پژوهش حاضر درصدد کالبدشکافی نظریه توسعه نورث و انطباق آن با ایران است. سئوالی که در اینجا مطرح می شود این است که با توجه به تأکید نورث بر نقش دولت ها در روند توسعه کشورها، چرا در ایران پس از انقلاب اسلامی، علی رغم وجود نقش پررنگ دولت ها در امر سیاست گذاری توسعه کشور، توسعه نهادینه نشده است؟ پاسخ فرضی ما به این سؤال این است که دولت ها در ایران نقش خود را خوب نشناختند و به جای تسهیل گری در فرایند توسعه و کمک به فضای

رقابتی و بخش خصوصی، بیشتر نگاه شخصی گرایانه و متمرکز به این امر داشته اند. بنابراین، بدون توجه به مشارکت مردم در قالب نهادهای مدنی و نداشتن نظریه ای بومی از توسعه و فقدان نگاه کارشناسی به تجربیات کشورهای توسعه یافته، نهادینگی توسعه دشوار به نظر می رسد. این پژوهش بر آن است با روش توصیفی - تحلیلی فرایند توسعه در ایران را با نگاه به مولفه های نظریه توسعه نورث مورد واکاوی قرار دهد.

در این پژوهش، تلاش می شود: اولاً، رویکردهای توسعه مورد بررسی قرار گرفته، ثانیاً، به کاربردشکافی نظریه نظم اجتماعی نورث پرداخته شود و ثالثاً، به منظور کمک به امر توسعه در ایران، تجویز هایی برای تحقق توسعه در ایران و برون رفت از وضعیت فعلی ارائه گردد.

۲. پیشینه پژوهش

در بخش پیشینه تحقیق به تحقیقات انجام شده در مورد سیاست های توسعه ای دولت ها که با رویکرد نظم اجتماعی نورث به انجام رسیده، پرداخته می شود. نظریه نظم اجتماعی نورث (نهادگرایی جدید) در مورد دستیابی به توسعه مورد توجه محققان داخلی و خارجی قرار گرفته و مطالعات زیادی در رابطه با آن صورت گرفته که در این تحقیق به برخی از آن اشاره می شود.

قاراخانی و دیگران (۱۴۰۰) در بررسی ایران در زیر چتر حاکمیت طبیعی در دوره پهلوی دوم، به این نتیجه رسیدند که نه تنها کشور به سمت جامعه با دسترسی باز حرکت نکرده، بلکه پس از تجربه یک دوره نظم اجتماعی با دسترسی پایه به نظم با دسترسی محدود شکننده و در نهایت هرج و مرج منتهی شده است.

اشتری مهرجردی و سرخه دهی (۱۳۹۹) در بررسی تطبیقی توسعه کشورهای شرق آسیا با استفاده از نظریه توازن دوگانه نورث به این نتایج رسیدند که همه این کشورها (ژاپن، کره جنوبی، چین و مالزی) بجای راهبرد های دموکراسی، دسترسی باز سیاسی و بازار آزاد به شیوه غربی، در ابتدای فرایند توسعه دسترسی های محدود سیاسی و حکومت های اقتدارگرا و راه حل بومی را تجربه کرده اند. اولویت آن ها برای پیشرفت اقتصادی امنیت حقوق مالکیت مولدها با حذف داوطلبانه و یا اجبار رانت های نخبگان قدرت و نیز کنترل فساد بوده است. در این کشورها دسترسی باز اقتصادی بر دسترسی باز سیاسی مقدم بود. چین بجای انتخاب دموکراسی و اقتصاد بازار، اقتدارگرایی در حکومت و بازار، رشد زیاد، ثبات، بهبود سطح زندگی و محدودیت های آزادی بیان را انتخاب کرده است (Halper, 2010).

تامپسون در پژوهشی به این نتیجه رسید که مدل توسعه چین، ژاپن و سنگاپور، مدل توسعه متفاوت از نظریات غربی است که در آن دموکراسی و آزادی های سیاسی منجر به توسعه اقتصادی نمی شود. او مدل کشورهای یادشده را برگرفته از آلمان می داند و معتقد است همه این کشورها از دولت های اقتدارگرا در هنگام توسعه برخوردار بوده اند. تجربه کشورهای شرق آسیا متفاوت از فرایند توسعه غرب است و معتقد است توسعه آن ها منجر به دموکراسی غربی نشده است (اشتری مهرجردی و سرخه دهی، ۱۳۹۹: ۲۳۶).

ریعی (۱۳۹۹) در مطالعه دولت توسعه گرا و چالش های توسعه در ایران به این نتیجه رسیده است که دولتهای ایران الزامات یک دولت توسعه گرا را رعایت نمی کند. الزامات استقرار و موفقیت دولت توسعه گرا در ایران شامل شفافیت و رقابتی کردن اقتصاد کشور، حرکت به سمت خصوصی سازی، پرهیز از تقابل در سطح بین الملل، نهادینه کردن رقابت سیاسی و اجتناب از حذف رقیب، مبارزه با فساد، تن دادن به حاکمیت قانون می باشد. و نکته مهم دیگر به تأسیس نهادهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی که غیر شخصی باشند، همت گمارند.

مومنی و دیگران (۱۳۹۸) در مطالعه ای نشان دادند که وضعیت مردم سالاری در ایران مطلوب نبوده و نتایج بررسی شاخص پالتی ایران، نشان دهنده این است که نظام حاکم بر ایران از نوع «نظم اجتماعی با دسترسی محدود» بوده است. این نظم دارای گستردگی فساد بالا است لذا می توان نتیجه گرفت در این سال ها میزان فساد در ایران از گستردگی بالایی برخوردار بوده است. شایان ذکر است که شاخص پالتی (شبهه انتخابات، تکررگرایی، آزادی های مدنی، مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی) ، شاخصی است که با آن وضعیت مردم سالاری را در جهان می سنجند.

جدی (۱۳۹۸) در بررسی تاثیر ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر ساختار سیاسی آن با تأکید بر فرایند مردم سالاری معتقد است ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی از نوع «دسترسی محدود» می باشد. این ساختار اقتصادی دو بازیگر بخش دولتی و شبه دولتی دارد که منافع شان در بقاء ساختار اقتصاد دسترسی محدود است. ساختار اقتصادی دسترسی محدود جمهوری اسلامی نه تنها یکی از موانع ارتقاء مردم سالاری است، بلکه مانع بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه و رشد کشور نیز می باشد. از اینرو تغییر ساختار از دسترسی محدود به دسترسی باز برای توسعه یافتگی کشور لازم و ضروری است.

ساعی و حسینی گلی (۱۳۹۶) در مطالعه تطبیقی سیاستگذاری ایران و کره جنوبی در عرصه

صنعت خودرو پی بردند که کشور ایران به سبب داشتن نظم دسترسی محدود در عرصه سیاست و به همراه آن نظم دسترسی محدود در عرصه اقتصاد، نتوانسته است و نخواهد توانست به توسعه سیاسی و اقتصادی دست یابد.

صالحی اصفهانی و سویکر (۲۰۱۴) نظم اجتماعی ایران از اوایل قرن بیستم تا کنون را مطالعه و مبتنی بر آن عملکرد اقتصادی را تحلیل کرده اند. آن‌ها نشان دادند که در دوره قبل از کودتای رضا شاه، نظم اجتماعی شکننده حاکم بوده و بعد از آن با تشکیل دولت مرکزی و بهبود شرایط اقتصادی در دهه های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ شمسی شرایط بهتر شده است. پس از اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ باز شرایط ناپایدار شده، اما پس از کودتای ۳۲ بتدریج دوباره نظم اجتماعی دسترسی محدود پایه ای شکل گرفت. آن‌ها در بررسی دوره بعد از انقلاب اسلامی به این نتیجه رسیدند که باز هم نظم دسترسی محدود بر کشور حاکم شده است. آن‌ها در مقایسه ترکیه با ایران در قرن بیستم به این نتیجه رسیدند که ترکیه به سمت دسترسی بالغ حرکت کرده است و تعامل ترکیه با اتحادیه اروپا باعث شد تا حدی قوانین غیر شخصی و سازمان خصوصی مستقل در ترکیه ایجاد و تقویت شود.

با بررسی تحقیقات انجام شده در این زمینه مشخص می شود که پژوهش های مذکور به طور توصیفی صرفاً به تاثیرگذاری نظریه نورث در باب توسعه یافتگی کشورهای شرق آسیا و به شکل کلی و گذرا سیاست های توسعه ای دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار دادند. برخلاف مطالعات و پژوهش های گذشته، پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی است. نوآوری این پژوهش آن است که یک کار پژوهشی مستقل با چنین نگاهی که به کالبدشکافی نظریه توسعه نورث به طور انحصاری پرداخته باشد، کمتر در ایران صورت گرفته و از این جنبه کار جدیدی می باشد. به عبارت بهتر نوآوری این پژوهش تبیین زوایای تاریک نظریه توسعه نورث و ارائه درس های برآمده از این نظریه برای توسعه ایران می باشد.

۳. ادبیات نظری

۳-۱. تعریف مفهوم توسعه

توسعه در دوران های مختلف دارای معانی متفاوتی بوده است که ابتدا به ابعاد اقتصادی آن توجه بیشتری می شد و جدیداً به ابعاد انسانی و اجتماعی آن تأکید می گردد. در این مقاله به دو تعریف توسعه اشاره می شود. در نظریه نوکلاسیک، توسعه یعنی رشد بازارمحور و مقررات زدایی، خصوصی سازی و آزادسازی است (پیترز، ۱۳۹۷: ۳۲۱). اما نورث و همکارانش معتقدند که برخلاف

دیدگاه علم اقتصاد مدرن، توسعه اقتصادی، فرایند تدریجی افزایش آموزش، سرمایه و بهبود حداقلی در حاکمیت قانون نیست، گرچه موارد مذکور ممکن است سبب بهبود شرایط به واسطه حرکت در جهت گذار به دموکراسی شوند، اما این تغییرات تدریجی تا زمانی که در یک نظم با دسترسی محدود باشد به توسعه منتهی نخواهد شد. فرایند توسعه حرکت از نظم دسترسی محدود به نظم با دسترسی آزاد (نظم دموکراتیک) است (نورث، والیس، وینگاست، ۲۰۰۶: ۷۲). مهار خشونت مهم بوده و بهبود وضعیت رقابتی در عرصه های اقتصاد و سیاست نیز برای توسعه یافتگی لازم است.

۳-۲. رویکرد نهادگرایی نوین به عنوان رویکرد جدید توسعه

قبل از معرفی رویکرد نهادگرایی نوین اشاره به این نکته مهم است که در دوران معاصر، معمایی که نظریه های اقتصادی در مورد آن به مناظره برخاسته اند دو دیدگاه اصلی وجود داشته است: یک دیدگاه حداقل گرایی که نئوکلاسیک ها طرفدار آن هستند و دیگری دیدگاه دولت توسعه گرایی باشد که در چارچوب رهیافت اقتصاد سیاسی مورد بررسی قرار می گیرد. دیدگاه حداقل گرایی دولت، اقتصاد دانان کلاسیک مثل آدام اسمیت بر این باورند که مداخله دولت در اقتصاد باید در حداقل ممکن باشد. از این منظر مداخله دولت موجب رانت جوئی می شود نظریه دولت غارت گر از همین باور ناشی می شود. مارکسیست ها و نظریه پردازان اقتصاد نئوکلاسیک بر این باورند که دولت می تواند نماینده طبقه یا گروهی باشد و وظیفه اش استخراج درآمد از بقیه مردم به نفع آن طبقه یا گروه است. در این نوع اقتصاد کارایی و پویایی اقتصادی کاهش می یابد. از اینرو باید سازوکارهای بازار تسلط یابد. حامیان این دیدگاه به دولت های آمریکا و انگلستان اشاره می کنند. اقتصاد دانان بانک جهانی و صندوق بین المللی پول طرفدار این دیدگاه هستند و از خصوصی سازی و کاهش هزینه ها در کشورهای در حال توسعه حمایت می کنند (حاج یوسفی، ۱۳۸۶: ۹۸-۹۶).

دیدگاه دوم نقش دولت های توسعه گرا در چارچوب نهادگرایی نوین است. این دیدگاه دوباره نهاد دولت را به عنوان محور بنیادین توسعه قلمداد نمودند. دولت توسعه گرا از اواخر دهه هفتاد میلادی در نتیجه موفقیت کشورهای تازه صنعتی آسیای جنوب شرقی، تقویت شد. در این دیدگاه رابطه دولت و جامعه قراردادی است. و دولت موجب افزایش ثروت می گردد. نظریه نهادگرایان جدید با انتقاد از نظریه اقتصاد نئوکلاسیک بر این فرض استوار است که توسعه اقتصادی به معنای صنعتی شدن در کشورهای آسیای جنوب شرقی باید فرایندی تلقی شود که دولت ها در آن نقشی راهبردی در مهار نیروهای بازار داخلی و بین المللی و سوق دادن به سوی اهداف ملی بازی کرده اند.

حامیان این دیدگاه برای تایید نظر خود به آلمان و ژاپن و کشورهای شرق آسیا به منزله نمونه های رشدی که دولت موجب آن بوده است اشاره می کنند(حاج یوسفی، ۱۳۸۶: ۹۸). بطور کلی دولت های توسعه گرا با ماهیت نهادی و تاریخی در قالب نقش پرورش گری، قابله گری و توسعه ای تاکید بر دخالت دولت و نقش تسهیل گری آن در امر توسعه دارند. بر اساس نظریه نهادگرایی نوین جوامع دارای نهادهای فراگیر با ایجاد فرایند تخریب خلاق و توزیع رانت مولد با حرکت به سوی چرخه های تکاملی، رشد و توسعه اقتصادی پایدار را تجربه خواهند کرد، اما جوامع دارای نهادهای بهره کش به دلیل سیطره مناسبات رانتی و توزیع رانت بصورت نامولد با حرکت به سوی چرخه های شوم در بلند مدت دچار زوال و افول می گردند(رنانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۴).

مکتب قدرتمند اقتصاد نهادی جدید از دل اقتصاد نئوکلاسیک و با ظهور مجدد در آمریکا پدید آمد. این مکتب با تاکید بر اهمیت نهادهایی مانند حقوق مالکیت، یا شیوه های بدیل تدبیر امور برای مثال در بازار و سلسله مراتب بنگاه ها خود را از اقتصاد غالب مجزاکرد(کلایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۹). از نظر راترفورد نهادگرایی جدید با سهم نورث و نهادگرایی قدیم با توجه به تلاش ویلن، میچل و کامنز قابل بررسی است(راترفورد، ۱۹۹۵: ۴۴۳). نهادگرایی قدیم تحت تأثیر ویلن بر نهادهای فرهنگی مشوق تغییرات تکنولوژیک تأکید داشت، ولی نهادگرایی جدید نظر بازیگر عقلانی محدود در پیشینه کردن منافع خود را در قالب محدودیت های نهادی را استفاده می کند(نصراللهی آذر و دیگران، ۱۳۹۸: ۷). نهادگرایی قدیم جنبه های توان افزای نهادها را برجسته می سازد در حالی که نهادگرایی جدید بر جنبه های محدودکنندگی نهادها تأکید می کند(حاتمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۷). مهم ترین شاخصه های مورد تأکید نهادگرایی نوین در عرصه اقتصاد سیاسی، اصلاح ساختار حقوق مالکیت، پرهیز از رانتیرسم و اهمیت فسادزدایی، تأکید بر حکمرانی خوب، خودکنترل گری دولت، تقویت بازار مبتنی بر ارزش های اقتصادی و بخش خصوصی فعال، تقویت نهادهای غیر رسمی و تقویت باورهای دینی و ضرورت مندی تحول در شیوه تولید است(زاهدی و سرپرست سادات، ۱۳۹۷: ۱۱۵). رویکرد توسعه نهادگرایانه، به پذیرش تکثرگرایی معتقد است و نسخه یکسان برای راهبردهای توسعه را منتفی می داند. نتایج مطالعات اخیر نیز نشان داد ناتوانی نهادهای بخش عمومی و حکمرانی ضعیف در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از عوامل اصلی محدود کردن توسعه عادلانه هستند(World Bank, 2000, xi). در هر صورت رویکرد نئوکلاسیک، از راه های بومی دستیابی به توسعه غفلت می ورزد و مورد نقد صاحب نظران از جمله محققان رهیافت نهادگرایی

نوین قرار گرفت.

۳-۳. کالبدشکافی نظریه نظم اجتماعی داگلاس نورث به عنوان یک مدل نظری

داگلاس نورث از پیشگامان نهادگرایی نوین، با رویکرد ترکیبی جامعه‌شناسی سیاسی و اقتصاد سیاسی نظریه جدیدی در حوزه جامعه‌شناسی توسعه تحت عنوان «نظریه نظم اجتماعی» مطرح نموده است. وی تلاش کرد که تحول از جوامع دسترسی محدود به نظم باز را طبق یک مدل مفهومی توضیح دهند و تأکیدشان در توسعه بر اهمیت هسته قدرت، دولت و نهادها و تاریخ و نظم بوده و به نوعی خشونت و بی‌ثباتی‌های نهادی، سیاسی و اقتصادی را مانع توسعه معرفی نمودند. تأکید بر عوامل داخلی در توسعه و تأثیر متقابل سیاست و اقتصاد بر یکدیگر، و توجه به صلح و مهار خشونت دارای قوت است. ایده جالبی که به دولتمردان پرهیز از شخصی‌گرایی، نزاع و خشونت و رانت غیر مولد، و دوری از تجاوز به حقوق مالکیت و ندادن امتیازات انحصاری به فرادستان، و همچنین تلاش برای غیر شخصی شدن، ائتلاف سازی و رانت مولد و حاکمیت قانون و آزادی‌های مشروع و رقابت اقتصادی باز و تغییر در ماهیت رابطه عمودی دولت با نهادها و جامعه مدنی، و تغییر آن به رابطه افقی را پیشنهاد می‌کند. بازنندیشی نهادهای رسمی و غیر رسمی در جامعه، و بهبود کیفیت نهادهای موجود از دیگر مولفه‌های مد نظر در این نظریه است. شایان ذکر است نمونه کشور موفق که از الگوی نورث جهت دستیابی به توسعه استفاده نمود کشور کره جنوبی است. کره جنوبی هر چند در ابتدا یک نظام دسترسی محدود داشته به تدریج از دسترسی محدود شکننده به پایه و پس از آن بالفعل مستقل گردید و سرانجام در حال گذار به نظام سیاسی دسترسی باز قرار گرفت. نورث بر نقش دولت، در برقراری نظمی تأکید می‌کند که تضادها را تعدیل کرده و منافع حاصل از مشارکت را افزایش می‌دهد.

در مدل توسعه نورث، عقب افتادگی یا رشد اقتصادی بالا در گرو فضا و شرایطی است که دولت‌ها برای افراد فراهم می‌آورند. دغدغه فکری و سوال کلیدی نورث چرایی توسعه نیافتگی اکثر کشورهای جهان است. درک فرایند تغییرات اقتصادی جوامع برایش مهم بوده است (مهدوی و نصیری اقدم، ۱۳۸۱: ۱۵۲-۱۵۰). نورث در این مسیر توجه خود را به نهادها معطوف می‌کند ولی در ادامه در کتاب نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ایده نهادهای کارآمد را با جایگزینی فرض عقلانیت محدود بجای عقلانیت کامل به تدریج الگویی برای تبیین تغییرات نهادی ناکارآمد ارائه می‌کند و بعدها بجای تأکید بر صورت محاسباتی شناخت بر صورت پیوندی و

انباشتی آن تأکید و می گوید باورها و ایدئولوژی های افراد است که بطور انباشتی انتخاب های افراد و مسیر تحول نظام های اقتصادی را در طول سالیان تعیین می کند. او با این کار علاوه بر تبیین تطور نهادها، تغییر ترجیح ها را بحث می کند (مهدوی و نصیری اقدم، ۱۳۸۱: ۱۶۹-۱۶۸).

تأکید نورث بر نهاد دولت و نهاد اساسی مالکیت در توسعه یافتگی، او را به ورطه استاتیسیم یا دولت گرایی نینداخته، بلکه همزمان به اثرگذاری نیروهای غیر رسمی از منظر جامعه شناسی سیاسی نیز توجه داشته است (کریمی مله، ۱۴۰۱: ۲۹۳). نورث فرایند توسعه را گذار از نظم دسترسی محدود به نظم دسترسی باز تعریف کرده و مهار خشونت را در این مسیر ضروری می داند. بر اساس نظریه نورث استفاده از ابزارهای توسعه برآمده از تجربیات کشورهای جهان اول برای توسعه در کشورهای جهان سوم را نامناسب می داند (نورث و دیگران، ۲۰۰۷: ۲). نورث بین نهادها و سازمان فرق می گذارد. نهادها قراردادهای ابداع شده انسانی اند و کنش های متقابل انسانی را ساختارمند می کنند. به نوعی نهادها ساختار محدودیت ها هستند در حالی که سازمان ها، بازیگرانی هستند که در این محدوده تنها عمل می کنند (نورث، ۱۳۹۴: ۳۶۱-۳۶۰). نهادها، قواعد بازی تلقی شوند (نورث، ۱۹۹۰: ۳-۴)، سازمان ها بازیکنان آن خواهند بود. تحول نهادی حاصل تعامل میان سازمان ها و نهادها است (نورث، ۱۳۹۴: ۳۶۱). نورث معتقد است سازمان ها در پیگیری اهداف خود، به تدریج ساختار نهادی را تغییر می دهند (نورث، ۱۳۸۵: ۱۲۲). کارکرد کلیدی نهادها آن است که از طریق تأسیس یک ساختار باثبات و نه لزوما کارآمد برای کنش های متقابل انسانی، بی اطمینانی ها را کاهش می دهند (نورث، ۱۳۷۷: ۲۳). نهادها عواملی هستند که عملکرد بلندمدت اقتصادها را به نحوی بنیادین تعیین می کنند. داگلاس نورث استمرار نهادهای ناکارآمد را نتیجه سیاست های اشتباه حکمرانان می داند. نورث قواعد حقوقی را برای ثبات اقتصادی ضروری می داند. و معتقد است تصریح بهتر حقوق مالکیت در کشورهای توسعه یافته، هم اختراع و نوآوری و هم نرخ خصوصی بازدهی را افزایش داده است (نورث، ۱۳۷۹: ۹۰-۸۴).

نورث و همکارانش نام تحلیل خود در مورد توسعه را، «نظریه نظم دسترسی» گذاشتند. بر مبنای نظریه نورث، ائتلاف حاکم در یک جامعه، دو شیوه برای شکل دهی نظم اجتماعی و کنترل خشونت پیشرو دارند، از یکسو نظام دسترسی باز که قوانین غیر شخصی، حاکمیت قانون، رانت جویی مولد که تضمین کننده دسترسی همگانی به منابع و دارایی های جامعه است و از سوی دیگر نظام دسترسی محدود که به دنبال ایجاد روابط و قواعد شخصی و اختصاصی، شبکه مراد- مریدی و

رانت جویی غیر مولد، و محدود کردن دسترسی سایرین به مایع و دارایی های جامعه است (رنجبرکی ۱۴۰۰: ۱۵۵). گزاره کلیدی نورث مبتنی بر آن است که رمز توسعه یافتگی، الگوی دسترسی باز در روابط اجتماعی است، به گونه ای که قواعد و قوانین غیرشخصی، دسترسی همگانی به منافع سازمان های سیاسی و اقتصادی را میسر کند (کریمی مله، ۱۴۰۱: ۲۹۷). نظریه توازن دوگانه جزئی از همین نظریه خشونت و نظم های اجتماعی می باشد (نورث و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶). بحث آن ها در امر توسعه یافتگی، برای کشورهای در حال توسعه مهار و حذف خشونت و مبارزه با فساد و حذف رانت غیر مولد و دادن رانت مولد به تولید برای نخبگان قدرت و رقیبانشان و تقویت مالکیت و حاکمیت قانون مطرح می کنند. و معتقدند که تلاش ها در جهت حذف نهادها و سیاست هایی که به لحاظ اقتصادی از ایجاد رانت نامولد فساد پشتیبانی می کنند، باید از مسیرهایی انجام گیرد که مانع وقوع مجدد بی ثباتی و خشونت شود؛ خشونتی که در یک نظام دسترسی محدود توسعه را از خط خارج می سازد (نورث، والیس، وینگاست، ۱۳۹۴: ۲۵). آن ها نظم را در برابر خشونت تعریف می کنند و معتقدند خشونت زمانی جامعه را فرا می گیرد که نظم فراموش شده باشد.

به اعتقاد نورث و همکارانش راه حل مسأله خشونت راه حل نظم دسترسی محدود است و اصلاحات اقتصادی اگر شامل ترتیباتی برای حل این مسأله نباشند با شکست مواجه می شوند (North & Others, 2007: 34). اولویت حکومت های در حال توسعه و چند پاره ایجاد صلح است نه اینکه در این جوامع به واسطه دموکراسی و بازارها، دسترسی باز ایجاد کرد، زیرا این یک هدف بلند مدت است (North & Others, 2007: 40).

نورث و همکارانش در مورد نظم اجتماعی، نظم با دسترسی محدود را به بخشهای جزئی تر تقسیم بندی نمودند. و آن ها را به نظم های شکننده، پایه، و بالغ تقسیم بندی می نمایند (مومنی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۰۹). این ها صورت های متنوعی از یک گونه نظری بحساب می آیند. نخستین نظم بدوی بود. نظم دوم دسترسی محدود، که از ۱۰۰۰۰ سال پیش بوجود آمد و مشکل مهار خشونت را با دستکاری سیاسی نظام اقتصادی حل کرد تا نظم اجتماعی فراهم گردد. سومین نظم طی ۳۰۰ سال گذشته با عنوان نظم دسترسی باز از طریق رقابت سیاسی و اقتصادی بجای خلق رانت، نظم اجتماعی را حفظ می کند. این نظم در بین بیست تا سی کشور توسعه یافته اقتصادی و سیاسی گسترش یافت (نورث و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۴). نکته مهم آن است که مبنای شکل گیری نظام های اجتماعی دسترسی محدود و باز، نوع دسترسی و توزیع رانت (دارایی ها و منابع و امکانات جامعه) میان افراد و

سازمان های مختلف است.

۴. نظم های با دسترسی محدود و طیف های آن (دولت طبیعی یا پیشامدرن)

بطور کلی مسیریایی که جوامع مختلف برای توسعه یافتگی و برقراری نظم در جامعه استفاده می کنند متفاوت است. یک نظم دسترسی محدود و نظم نوع دوم، نظم دسترسی باز که ریشه در قرن نوزدهم دارد و به نوعی با دولت مدرن سازگاری دارد.

نورث نظام جوامع توسعه نیافته را با عنوان نظم دسترسی محدود توصیف می کند (رنانی، ۱۳۹۵ : ۸). نظم دسترسی محدود، به خلق رانت، امتیازات و تبعیض بین فرادستان (ائتلاف مسلط) و غیرفردستان می پردازد و مانعی برای رونق و توسعه اقتصادی در بلندمدت به شمار می رود. در این چارچوب، رقابت و بهره وری محدود می شود و حل معضل خشونت به مانعی برای توسعه بلندمدت اقتصادی تبدیل می شود (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۷). در نظام دسترسی محدود راه ورود شهروندان به قدرت سیاسی و فعالیت اقتصادی بسته است و مزایا در اختیار نخبگان حاکم قرار دارد. نظم سیاسی دسترسی محدود برای تولید رانت، اقتصاد را به منزله ابزاری برای حل مسئله خشونت دستکاری می کند. بنابراین با تایید رابطه مستقیم بین دولت، رانت و حفظ نظم می توان نظریه سیاسی و اقتصادی را به شیوه ای جدید تلفیق کرد (North et al, 2006: 4-5). ویژگی دیگر این نظام، حمایت از حقوق مالکیت نسبتاً قوی برای فرادستان و حمایت از حقوق مالکیت نسبتاً ضعیف برای فرودستان تا حدی که دولت طبیعی با حاکمیت قانون توصیف شود و این قانون برای فرادستان است (نورث و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۰۳). ساختار اقتصادی دسترسی محدود، ساختار سیاسی دسترسی محدود و اقتدارگرا را تولید و از تغییر آن جلوگیری می کند، زیرا ساختار اقتصادی دسترسی محدود دارای ویژگی هایی همچون رانت ها، انحصارات، تجاوز به حقوق مالی دیگران، فساد مالی و اداری، قانونگریزی، رابطه سالاری، و زد و بند در راستای انباشت و تمرکز ثروت و منابع توسط فرادستان است که این ویژگی ها تنها در سایه ساختار سیاسی دسترسی محدود که دارای ویژگی هایی همچون تمرکز قدرت، عدم تفکیک و استقلال قوا، نبود آزادی بیان و نقد، نبود نظارت و پاسخگویی، فضای بسته و خفقان سیاسی، قانون گریزی و سرکوب منتقدین می باشد قابل بقا و دوام خواهد بود. زیرا این ساختار سیاسی هر کشوری را که نسبت به انباشت تمرکز ثروت فرادستان، مفاسدشان و ظلم و ستم آنها معترض باشد را سرکوب کرد (نورث و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۷۹). قانون نظام دسترسی محدود، ائتلاف مسلط است (نورث و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۵). در این نظام ها نخبگان

قدرت به دلیل جایگاه انحصاری خود از رانت هایی برخوردارند که همکاری بین آن ها را تضمین می کنند. رانت مانند چسبی است که از خشونت جلوگیری می کند (نورث و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۰-۱۹). پس خلق رانت جوهر نظم دسترسی محدود است (نورث و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۳). البته رانت مد نظر نورث که جهت همکاری و هماهنگی اعضای طبقه مسلط برای کاهش خشونت است با مدل های دیگر که رانت را صرفاً به حداکثرسازی رانت طبقه حاکم از هر منبع ممکن، تمرکز دارند، متفاوت است (نورث و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۵). البته این نظام ایستا نیست. نمونه آن سال ۱۹۸۰ شیلی است که قانون اساسی آن امتیازاتی به محافظه کاران اعطا نمود و موجب حرکت به جلوی شیلی گردید (نورث و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۳).

بطور خلاصه نظم دسترسی محدود، خلق برنامه ریزی شده رانت، قدرت بازاری، امتیازات و تفاوت و تبعیض بین فرادستان و سایرین را به نمایش می گذارد. نکته تاریخی آن است که دید فرایندی به ما می گوید در طول تاریخ جهان توسعه یافته (۲۵ کشور در اواخر قرن ۲۰) پدیده غیر عادی بوده و جهان در حال توسعه طبیعی به نظر می رسد، با این وجود در پایان قرن ۲۰ نظام دسترسی محدود که تحت سیطره اقتصاد دسترسی باز قرار داشت توانست از اثرات همنشینی با جهان توسعه یافته، فناوری، بازارها و نهادهای نظام باز را از اروپا و ایالات متحده کسب نماید. این اتفاق موجب شد ائتلاف مسلط ضمن حفظ نهادهای نظم دسترسی محدود رشد قابل ملاحظه پیدا کنند. کشورهایی مثل مکزیک، هند، زامبیا، در کنار برزیل، چین، اندونزی، مالزی و آفریقای جنوبی حتی بدون گذار به دسترسی باز، در رتبه بعدی نسبت به نظام های دسترسی آزاد در حال رشد هستند (نورث و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۳-۸۱)، این درسی برای کشورهای دیگر می تواند باشد. شایان ذکر است که نورث در تحقیقات بعدی خود نظم اجتماعی با دسترسی محدود را به بخش های جزئی تر به صورت زیر تقسیم بندی نمود:

۴-۱. دولت طبیعی شکننده

جامعه شکننده جامعه ای است که نظم و امنیت در آن شکننده است (نورث و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲) و ائتلاف مسلط قادر نیست که با خشونت داخلی و خارجی به خوبی مبارزه نماید. عمر سازمانها کوتاه، مبتنی بودن سازمان ها بر شخصیت رهبران آنها که با ائتلاف غالب در ارتباط هستند می باشد (نورث و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۹). در چنین نظامی، دولت می تواند تنها بر بخشی از کل جامعه احاطه داشته، نظم بخشی، را ایجاد نماید. دولتها در این نوع از نظم، قدرت انحصاری ایجاد نظم را

نداشته، بخشهای مختلفی داعیه ایجاد امنیت در جامعه را دارند. نظام های با دسترسی محدود شکننده، نظام هایی هستند که هر جناح از ائتلاف های مسلط، دسترسی مستقیم به خشونت دارد و ظرفیت اعمال خشونت عامل تعیین کننده ی اصلی در نحوه ی توزیع رانت و منابع شمرده می شود؛ در چنین شرایطی نظم موجود شکننده است؛ زیرا اگر تخصیص این جریان های رانت منطبق با موازنه ی قدرت صورت نگیرد (با توجه به اینکه هر کدام از گروه ها توانایی اعمال خشونت را دارند) گروه ها خواستار سهم بیشتری می شوند یا بر سر آن به جنگ می پردازند (نورث و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۰).

تعهد در درون ائتلاف حاکم، سیال و ناپایدار است و به سرعت به افراد دیگر منتقل می شود؛ زیرا به هویت و شخصیت اعضای ائتلاف وابسته است. ائتلاف حاکم زمانی که منافع سیاسی اعضای ائتلاف با سهم اقتصادی آن ها متوازن شود، می تواند سامان اجتماعی برقرار کند (توازن دوگانه) بنابراین، توزیع قدرت و امتیازات در پایداری روابط درون ائتلاف نقش مهمی دارد. در چنین دولتی امور سیاسی واقعی است (خشونت فیزیکی وجود دارد). به عنوان مثال، منابع می تواند با غلبه نظامی بر سایر گروه ها به دست آید، دولت طبیعی شکننده نمیتواند حمایت سازمان های خواص را به دست آورد. ناپایداری دولت طبیعی سبب می شود تا این جوامع نتوانند شکل بادوامی از قوانین عمومی (برای هدایت رفتار دولت) را توسعه دهند. همچنین نمی توانند قوانین خصوصی برای تنظیم روابط بین اشخاص خصوصی، که دولت اجرا می کند را فراهم کرده و اعمال کنند (نورث و دیگران، ۲۰۰۹: ۴۳-۴۲). نظم دسترسی محدود شکننده، بندرت قادر است در مواجهه با خشونت از خود محافظت کند. و مثال های امروزی آن شامل افغانستان، هائیتی، عراق، جمهوری کنگو و چند کشور دیگر در زیر صحرای آفریقا است (نورث و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۹).

۲-۴. دولت نظم دسترسی محدود پایه

نظم دسترسی محدود پایه دولت به خوبی استقرار یافته و مجموعه ای از سازمان های دولتی و غیر دولتی وجود دارند. و امتیازات و سازمان های قدرت در ارتباطی نزدیک با ائتلاف و در ارتباط با دولت تعریف می شوند و ساختار سازمانی باثبات و تقسیم کار و تخصص گرایی دارند و ظرفیت خشونت در بین سازمان های دولتی به صورت انتشار یافته باقی می ماند (نورث و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۳-۹۷).

در حاکمیت طبیعی پایه قالب های نهادینه شده بادوام تر است و ائتلاف کمتر در معرض نوسانات درونی ناشی از شخصیت افراد قرار می گیرد (نورث و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷). دسترسی

محدود پایه، تعداد سازمانهای غیر دولتی بیشتری وجود دارد اما در این جوامع نیز میزان منافع و امتیازات سازمان ها با میزان ارتباط سازمان با ائتلاف غالب رابطه ای مستقیم دارد. این مورد از موارد اشتراک بین نظم با دسترسی محدود شکننده و پایه محسوب می شود (نورث و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۲-۱۱). در نظم دسترسی محدود پایه، دولت به خوبی بنا شده و در مقایسه با نظم دسترسی محدود شکننده قادر است از درگرفتن خشونت بکاهد. در نظم پایه تنها سازمان پایدار خود دولت است و امتیازات و حقوق فرادستان شدیداً توسط آن تعیین می شوند. نمونه های معاصر، کشورهای برمه، کوبا، کره شمالی، شوروی سابق و بسیاری از کشورهای صحرای مرکزی آفریقا و عربی را در بر می گیرد. در اینجا هر سازمان خصوصی تهدیدی بالقوه برای ائتلاف غالب می باشد (نورث و دیگران: ۱۳۹۶: ۹۶-۹۲). از اینرو ظرفیت خشونت پراکنده در اکثر نظم های دسترسی محدود پایه باقی می ماند و نظم مذکور قادر به حمایت از یک جامعه مدنی غنی نیستند.

۳-۴. دولت طبیعی بالغ

نظم دسترسی محدود بالغ جوامعی را در بر دارد که دولت باثبات دارد. سازمان های بیشتری خارج از گروه ائتلاف غالب و خارج از حیطه دولت وجود دارند اما هنوز محدودیت هایی نسبت به نظم باز دارند. در این نظم ائتلاف مسلط تنوع گسترده ای از سازمان های خارج و نیز داخل دولت را مورد حمایت قرار می دهد. ائتلاف مسلط با استفاده از این شیوه برای رقابت محدودیت به وجود می آورد و به خلق رانت دست می زند تا خود را حفظ کند. نهادها در دولت طبیعی بالغ باید بتوانند به طور همزمان سازمان های دولتی و خصوصی و نیز قوانین عمومی و خصوصی را توسعه دهند قوانین عمومی می توانند ادارات و کارکردهای دولت و روابط بین آن ها را تصریح کنند (نورث و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۶-۹۷). و روش هایی برای حل تضادها درون دولت و درون ائتلاف حاکم فراهم کنند. دوام نهادهای عمومی در دولت طبیعی بالغ هنگامی که تغییراتی در آرایش ائتلاف حاکم رخ می دهد، امکان پذیر است. نهادها در دولت طبیعی بالغ می توانند از سازمان هایی که در شروع به دولت وابسته نیستند، پشتیبانی کنند. شکلی از حاکمیت قانون برای سازمان های دارای شخصیت حقوقی در دولت طبیعی بالغ ظهور می کند تا بتواند از قراردادهای بین و درون سازمانی پشتیبانی کند بتواند از مصادره سازمان ها توسط دولت و ائتلاف حاکم حمایت کند. چنین نهادهایی باید در دولت حک شده باشد تا تحت تاثیر تغییرات مکرر دولت طبیعی قرار نگیرد با این حال هنگامی که چیدمان امتیازات بین اعضای ائتلاف حاکم تغییر می کند حاکمیت قانون آسیب خواهد دید (نورث و دیگران،

۲۰۰۷: ۴۸-۴۶). شایان ذکر است هنگامی که نظام های دسترسی محدود به بلوغ می رسند، میزان افزایش پیچیدگی و تفکیک در سازمان دولت و توسعه سازمان های خصوصی عاری از خشونت در تعاملی متقابل پدید می آید. بلوغ این نظام ها در طی سه فرایند صورت می گیرد:

- توزیع فعالیت های ایجادکننده رانت در بین سازمان های دارای ظرفیت خشونت؛
- گسترش حاکمیت قانون سازگار با ترتیبات ایجاد انگیزه کاهش خشونت؛
- افزایش اعتماد سازمانها به دولت در خصوص حمایت و اجرای توافقات.

نظام دسترسی محدود بالغ امکان مبادله غیرشخصی میان نخبگان قدرت پدید آید. حاکمیت قانون برای نخبگان قدرت، پشتیبانی از حیات دایمی سازمان های نخبگان قدرت، چه خصوصی و چه عمومی، و کنترل سازمان های دارای ظرفیت خشونت از پیش شرطهای ورود نخبگان به روابط غیر شخصی است. این سه شرط با منطبق نظام دسترسی محدود سازگاری دارند (رنانی، ۱۳۹۵: ۹). بیشتر کشورهای آمریکای لاتین، چین، آفریقای جنوبی و هند دارای نظام دسترسی محدود بالغ به حساب می آیند (نورث و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۰).

در نهایت باید توجه داشت که جوامع محکوم به گذار از وضعیت شکننده به پایه، یا بالغ نیستند. به علاوه برخی جوامع مخلوطی از این انواع را به نمایش می گذارد. کلمبیا در مناطق بوگوتا و مدلین جلوه گر یک نظام بالغ را دارد، اما در بسیاری از بخش های روستایی نظامی شکننده است (نورث و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۸-۱۰۶). با بررسی نظم دسترسی محدود و انواع آن، حال نوبت به بررسی نظم دسترسی باز است.

۴-۴. نظم دسترسی باز (آزاد یا دولت مدرن)

نظم اجتماعی دیگر در مدل نورث، نظام دسترسی باز می باشد، چنین نظمی مربوط به جامعه مدرن و توسعه یافته است که ارتباط تنگاتنگ بین سیاست و اقتصاد وجود دارد و این بدان معنی است که هر نهاد و سازمانی از مردم می تواند به موقعیت سیاسی و اقتصادی دست یابد. نظم دسترسی باز، به قالب های سازمانی توصیف می شود مشخصاً به قالب های سازمانی قراردادی که بر روی همه افراد باز است تا نیازهای غیر شخصی را تامین کند. دولت غیر نظامی حاکم بوده و سازمان های دارای ظرفیت خشونت را کنترل دارد (رنانی، ۱۳۹۵: ۱۰۸). در این نظم دولت دارای حق انحصاری کاربرد خشونت است. نظام های اقتصادی و سیاسی استقلال دارند و سازمان های اقتصادی برای حفظ حقوق خود نیازی به مشارکت در عرصه سیاست نمی بینند. ویژگی دیگر این نظم اصل

فراگیری و برابری شهروندان و وجود جامعه مدنی مستقل و رقابت نظام مند برای کنترل حکومت و غلبه روابط غیر شخصی است (نورث و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۲-۱۸۹). در این جوامع استفاده از رقابت و نهادها به نفع مقامات سیاسی خواهد بود تا حاکمیت قانون اساسی را مدنظر قرار دهند که شامل کنترل سیاسی تثبیت شده بر همه سازمان ها در برابر خشونت عمده است. این نوع نظم سیاسی از سیصد سال پیش آغاز شده و اکنون جوامع غربی از چنین نظمی برخوردارند (North et al, 2006: 4-5).

در کشورهای توسعه یافته دسترسی و ورود آزاد به سازمان های اقتصادی و سیاسی سبب تداوم رقابت اقتصادی و سیاسی می شود و نظم اجتماعی با ایجاد رقابت و نه خلق رانت تداوم می یابد (نورث و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۵۱-۹۲). اساس نظم با دسترسی آزاد، اداره ی جامعه با ایجاد رقابت، در میان افراد اجتماع جهت کسب رانت، به گونه ای که رانت تنها به خلاقیت و نوآوری تعلق گیرد، می باشد بر اساس دیدگاه شومپیتری، رقابت در نظم با دسترسی آزاد به عنوان تخریب خلاق عمل نموده، بر اساس آن نوآوری منبع خلق رانت و کسب سود است (مومنی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱۱). حاصل کلام آنکه نظم دسترسی آزاد، دسترسی باز به نهادها و سازمان ها و وجود رقابت منجر به کنترل خشونت، و باعث ایجاد رشد اقتصادی بلند مدت می گردد. حاکمیت قانون در دولت مدرن و جامعه باز دارای جایگاه مهم و زمینه ساز از بین بردن رانت و خشونت عمل می نماید. روابط اجتماعی در این نوع جوامع طوری تکامل می یابد که قوانین غیر شخصی تسهیل کننده دسترسی همه شهروندان به منابع اقتصادی و سیاسی است. رقابت آزاد اقتصادی و سیاسی و حاکمیت قانون و مالکیت خصوصی و سیستم مدیریت غیر متمرکز و افقی ثبات اجتماعی را حفظ و بروز خشونت را مهار و امر توسعه را میسر می سازد.

به طور کلی بر اساس نظریه نورث در هر نظم اجتماعی، دو سیستم سیاسی و اقتصادی نمی توانند در بلند مدت متفاوت از یکدیگر باشند و می بایست بین این دو ساختار به لحاظ دسترسی باز یا دسترسی محدود بودن، همواره توازن برقرار باشد، زیرا هر کدام از ساختارهای اقتصادی و سیاسی دسترسی محدود یا باز دارای ویژگی هایی می باشند که بقاء و تامین منافعشان در گرو وجود ساختار هم نوعشان است. اگر این توازن به دلایلی از بین برود، درگیری میان بازیگران ساختارهای دسترسی محدود و باز بر سر ایجاد و تحقق ساختارهای مطلوب خود شروع شده، در نتیجه کشور به سمت بحران داخلی کشیده می شود، تا در نهایت یک دسته از این بازیگران پیروز شده و آن ها با ایجاد و

تشکیل ساختارهای مطلوب خود دوباره توزان را برقرار کنند و در نهایت ثبات و آرامش دوباره به جامعه برگردد(نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۳). با مشخص شدن دو نظم مد نظر نورث، حال به چگونگی گذار از نظم محدود به نظم باز می پردازیم.

۴-۵. چگونگی گذار از جوامع با نظم دسترسی محدود یا دولت طبیعی به نظم

دسترسی باز یا دولت مدرن

جوامع از نظر نورث پیوسته در حال تغییر هستند و با ایجاد نهادهای کارآمد، می توان انتظار رسیدن به جامعه باز را داشت. گذر از نظم محدود به باز، جهشی نبوده و با کارآمدی از درون نظام های دسترسی محدود، نظام دسترسی باز پدیدار می گردد. برای گذار نیازمند مجموعه ای از تغییرات در عرصه اقتصادی و سیاسی از جمله حفاظت از مالکیت، رقابت در بازارها و تضمین مشارکت شهروندان در تامین حقوق سیاسی غیرشخصی و مهار خشونت نیز مهم است. این گذار با انتقال نهادها و تقلید از نوع باز امکان پذیر نیست، این الگوبرداری به فروپاشی نظم های درونی جوامع می انجامد. نورث بجای الگوبرداری از جوامع باز حرکت از جامعه شکننده به جامعه بالغ را پیشنهاد می کند(نورث و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲). تا بمرور با بلوغ جامعه، بتوان به سمت جامعه باز رفت. از دیدگاه نورث برای گذار از دسترسی محدود به باز و توسعه یافتگی حمایت از امنیت حقوق مالکیت مهم است. نورث معتقد است برای گذار از جوامع با دسترسی محدود به جامعه باز، ابتدا باید ائتلاف های شخصی به ائتلاف های غیرشخصی تبدیل و با شکل گیری سازمان های باثبات و با اهداف بلندمدت، زمینه جایگزین شدن رانت های نامولد به رانت مولد فراهم آید. توزیع رانت های مولد سبب حرکت جامعه به سوی نظم با دسترسی باز شده و در پی آن نهادهای سیاسی فراگیر و امکان مشارکت تمام افراد مهیا و نهادهای اقتصادی فراگیر زمینه ساز تخریب خلاق شده و به دنبال آن توسعه اقتصادی را فراهم می آورد(قاراخانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۵۷). برای این مهم، نیاز است به شرایط آستانه ای توجه کرد. در شرایط آستانه ای میان نخبگان حاکمیت قانون برقرار و امتیازات آن ها به حقوق تبدیل و یک دولت پایدار ایجاد می شود و خشونت و ابزار آن یعنی ارتش و نیروی انتظامی به نحو موثری کنترل شده و از دخالت نظامیان در فرایند سیاسی منع می شود. در ادامه در گذار کامل، رعایا تبدیل به شهروندان برابر می شوند و دولت با آن ها برخوردی غیر شخصی دارد. در این مرحله تمام شهروندان از حق دسترسی به سازمان های اقتصادی و اجتماعی برخوردارند و می توانند آزادانه به رقابت بپردازند(گرچی ازندریانی و شفیع سردهشت، ۱۳۹۲: ۷۷). پس از نظر

نورث برای رسیدن به نظم باز نیاز به تفکر ائتلاف سازی بجای درگیری، سازمانی و غیر شخصی دیدن بجای شخصی گرایی و دادن رانت های مولد بجای رانت غیر مولد و جلوگیری از خشونت و توجه به قانون و هموارسازی راه رسیدن شهروندان به مناصب و سازمانها نیز ضروری می باشد.

۵. درسی برای ایران

ایده توازن دوگانه سیاست و اقتصاد نورث در حوزه نونهادگرایی، مکانیزم علمی و آگاهانه و واقع گرایانه است که راه توسعه یافتگی در حوزه اقتصاد سیاسی ایران را دستیابی به جامعه دمکراتیک و سیستم باز و رهایی از نظام دسترسی محدود با ساختار رانتیر معرفی می نماید. همانظوری که در بیان مسأله آمده هنوز بسیاری از دولتمردان و سیاستگذاران در ایران درک عالمانه از رویکرد نهادگرایی نوین و نظریه نظم اجتماعی نورث جهت دستیابی به توسعه ندارند. دولت ها در ایران نقش خود را خوب نشناختند و به جای تسهیل گری در فرایند توسعه و کمک به فضای رقابتی و بخش خصوصی، بیشتر نگاه شخصی گرایانه و متمرکز به این امر داشته اند. بنابراین، بدون توجه به مشارکت مردم در قالب نهادهای مدنی و نداشتن نظریه ای بومی از توسعه و فقدان نگاه کارشناسی به تجربیات کشورهای توسعه یافته، نهادینگی توسعه دشوار به نظر می سد. بطور حتم دولت ها در ایران با درسهای کاربردی و بنیادی نظریه نظم اجتماعی نورث برای تدوین الگوی بومی توسعه و برون رفت از مشکلات ایران می توانند موفق تر عمل نمایند و توسعه را در کشور نهادینه نمایند. به برخی از درس ها اشاره می گردد.

علی رغم شعار عدالت محوری و انسان محوری خصوصاً در دولت های جمهوری اسلامی ایران، هنوز اجرای این برنامه ها بر زندگی و رفاه مردم و گسترش حیطه انتخاب افراد و آزادی آن ها و بر ابعاد توسعه انسانی از جمله زندگی سالم و طولانی، دستیابی به دانش و استانداردهای شایسته زندگی (مستولی زاده، ۱۳۹۹: ۶۰-۵۸) و گسترش جامعه مدنی دمکراتیک و آزادی های مثبت، تاثیر مثبت نداشته است. ارزیابی ۷ دهه برنامه ریزی توسعه در ایران حاوی این نکته مهم است که حجم عظیم منابع انسانی، طبیعی و مالی مصرف شده با دستاورد های آن (رسیدن به عدالت اقتصادی و اجتماعی) تناسبی نداشته و با وجود پیشرفت های مهم نسبت به دهه های گذشته، شکاف تاریخی ایران با کشورهای با نظم دسترسی باز و دمکراتیک چندان کاهش نیافته است (مهرعلی تبار فیروزجایی، ۱۴۰۱: ۱). عبور کردن تعداد حاشیه نشینان شهری از مرز ۲۰ میلیون نفر نشان دهنده شکست برنامه های توسعه دولت در ایران است (مومنی، ۱۳۹۶). می توان گفت که ناکارآمدی

نهادهای موجود به عنوان یکی از موانع مهم توسعه کشور بوده است (ریعی، ۱۳۹۹: ۱۰۶). ضریب جینی ایران بالاتر از نابرابری در آمریکا است و نابرابری در ایران از متوسط اتحادیه اروپا بالاتر است (مومنی و نیکونستی، ۱۳۹۶: ۲۳۱). در دوره بعد از انقلاب اسلامی در ایران، با تقویت اقتصاد پنهان، ایران در شاخص فساد ۶۰ پله سقوط کرد (مصطفوی، ۱۳۹۶: ۸۸). نرخ تورم از ۱۰/۴ در سال ۱۳۸۴ به حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۹۲ می رسد و رشد اقتصادی از ۶/۴ به ۵/۴ - سقوط کرده است (خدا بخشی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۲). از دلایل رشد تورم این دوره رشد نقدینگی در دولت احمدی نژاد بود (فوزی، ۱۳۹۵: ۴۸). از دلایل تداوم نابرابری های اقتصادی و اجتماعی در ایران نادیده گرفتن نهادهای اقتصادی غیر دولتی و فعالیت نهادهای مردم نهاد بوده است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴: ۷۲). در رده بندی سال ۲۰۰۹ سازمان شفافیت بین المللی، ایران از نظر شاخص فساد اداری با ۲۷ پله سقوط در مکان ۱۶۸ جهان قرار گرفت و فقط کشورهایی همچون برونودی، ترکمنستان و هایتی پس از ایران قرار داشتند (حاجیلو، ۱۳۹۶: ۱۰۸). آمارهای متفاوت بیانگر آن است که ایران به عدالت اقتصادی و اجتماعی دست نیافته و تلاش های بیشتری در راستای تحقق آن نیاز است و یکی از تلاش ها درس آموزی از دستاوردهای جهانی (از جمله دستاوردهای نظریه نظم اجتماعی نورث) در جهت دستیابی به توسعه یافتگی ضروری است.

بحث نورث تأکید کلیدی بر این مساله دارد که ساختار نهادی و کیفیت نهادی برای دستیابی به سیستم باز مهم است. و بازناندیشی در نهادهای ناکارا از لوازم بلافصل توسعه محسوب می گردد. با مطالعه تاریخ نهادی در ایران متوجه می شویم که برخی نهادها از جمله ابرنهاد دولت در ایران کیفیت مناسب نهادی در دستیابی به توسعه برخوردار نبوده است. یکی از آسیب های برنامه ریزی در ایران این است که بین نهادهای نقش آفرین در حوزه تهیه و تدوین برنامه های توسعه ای (مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان تهیه کننده سیاست های کلی برنامه ها، دولت به عنوان تهیه و تدوین کننده برنامه توسعه و مجلس شورای اسلامی به عنوان تصویب کننده آنچه به عنوان قانون برنامه توسعه تهیه می شود) هماهنگی کامل وجود ندارد (گرائی نژاد و وفائی، ۱۴۰۱: ۱۹). در شرایط نهادی حاکم بر اقتصاد ایران با تغییر دولت و یا مجلس، استراتژی های تدوین شده برای اقتصاد کشور دچار تحولات اساسی می گردد و تمام برنامه ها و خط مشی های تدوین شده تغییر می کند. یعنی نگاه کوتاه مدت بر سیاست گذاری حاکم بوده و از دید درازمدت محروم است. بر این اساس در قوانین و مقررات مصلحت اندیشی سیاسی بر قواعد اقتصادی غلبه می کند و منجر به بی ثباتی می

گرد(حیدری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۷). یعنی مناسبات غیر شخصی که در نظم دسترسی آزاد نورث اهمیت دارد در ایران حاکم نبوده و روند معکوس آن یعنی شخصی گرایی مهم است. بزرگی دولت در ایران با درآمد نفتی که ویژگی مهم اقتصادی ایران را متأثر می سازد، موجب گردیده که چارچوب نهادی گذشته ایران تولید و تکنولوژی و ذخیره دانش را ترجیح ندهد. چهره غالب توجه زندگی دلالی بوده است همین چارچوب نهادی راستای کسب دانش را مشخص می کند(رضا قلی، ۱۳۸۵: ۱۱۶). بررسی ساختار تاریخی و نهادی جامعه ایران بیانگر این واقعیت است که دولت و حاکمیت سیاسی، مسلط بر اقتصاد ایران بوده است و حاکمیت سیاسی و دولت با تسلط بر دارایی ها و منابع اقتصادی جامعه، به تأمین نیازها و خواسته های گروه های مختلف جامعه می پرداخته و گروه های مختلف، بسته به نوع ارتباط با حاکمیت سیاسی، از منافع و قدرت اقتصادی سهم کسب می نمودند. در دوران اخیر با شکل گیری دولت مدرن و گسترش نظام بوروکراسی حاکمیت سیاسی در حوزه های مختلف از یک سو و از سوی دیگر با افزایش درآمدهای برونزای فروش نفت، نقش بی بدیل حاکمیت سیاسی و دولت در توسعه اقتصادی ایران، دوچندان شده است(رنجبرکی، ۱۴۰۰: ۱۵۸-۱۵۷). بنابراین هنوز یک ساختار توسعه گرا در کشور وجود ندارد. نیل به توسعه نیازمند نهادسازی بهینه مبتنی بر کارآمدی و چابکی دولت است (مهرعلی تبار فیروزجایی، ۱۴۰۱: ۳۹)، دولت چابکی که نقش قابله گری و تسهیل کننده توسعه را داشته باشد. یعنی ویژگی های نهادی چون تمرکز مدیریتی به عدم تمرکز و ضعف مشارکت به مشارکت فعال و تودرتویی نهادی به شفافیت نهادی بدل شود. به عبارتی شخصی گرایی در ساختار مدیریتی کشور یکی از مهمترین مشکلات کشور در دوره های مختلف است، مدیریت کشور نیازمند تصمیمات غیر شخصی گرایی (سازمانی دیدن) است. غیر شخصی گرایی و بهبود کیفیت نهادی و بازطراحی نهادهای ناکارا درسی از نظریه نورث برای توسعه یافتگی ایران است که باید در دستور کار سیاستگذاران کشور در حوزه های توسعه ای به صورت کاربردی قرار گیرد.

در همین چارچوب نورث معتقد است اگر نهادی ضعیف بود با اصلاح آن می توان روند توسعه را تسریع نمود. این نکته مهمی است که مورد غفلت دولتمردان در ایران بوده است. بطور کلی بحرانهای اقتصادی و اجتماعی در ایران به نوعی از اقتصاد دولتی و انحصارات و ماهیت رانتیبری آن متأثر بوده و منجر به تغییر گفتمان های سازندگی، اصلاحات و اصول گرای عدالت محور و گفتمان تدبیر و امید می شود. نهادهای بهره کش به دلیل سلطه مناسبات رانتی و توزیع رانت نه به

صورت مولد، بلکه به صورت غیر مولد و صرفاً به نفع الیت مسلط و نه منافع شهروندان، و حرکت به سوی چرخه های شوم در بلند مدت مانع توسعه اقتصادی شدند. این در حالی است که جوامع دارای نهادهای فراگیر با ایجاد فرایند تخریب خلاق و توزیع رانت مولد با حرکت به سوی چرخه های بهبودی، رشد و توسعه اقتصادی پایدار را تسهیل و تجربه می نمایند. این مورد از نکات کلیدی مشکلات اقتصادی کشور است. و انگیزه سرمایه گذاری در امر تولید را کاهش داده و محیط دلالی را رونق می بخشد. تصدی گری فزاینده و روزافزون دولت در اقتصاد، در عمل مانع از پیدایش فضای رقابتی جدی در عرصه اقتصاد شد. به دلیل برخورداری افراد و گروههای متنفسد از رانت های اطلاعاتی و نفوذ سیاسی؛ زمینه انحراف های اقتصادی، فساد اداری و اقتصادی یا رانت های غیر قانونی افزایش یافت (بخشایشی اردستانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۴). بنابراین برای دستیابی به توسعه باید الگویی جایگزین برای اقتصاد دولتی و ماهیت رانتری آن تدوین و با اتخاذ سیاست های مالی و پولی درست که بتواند زمینه رقابت و تولید و به نوعی انباشت سرمایه را فراهم نماید تا با گذار به سمت اقتصاد رقابتی با تقویت بخش خصوصی و استقلال بانک مرکزی از تصمیمات سیاسی، با تدوین الگوی بومی شاهد توسعه در کشور بود. پس نقش تسهیل کننده دولت در امر توسعه یافتگی و دستگیری بخش خصوصی جهت تولید با کیفیت برای افزایش ثروت درس دیگر نورث برای ایران است که باید به آن توجه کرد.

ایده توازن دوگانه سیاست و اقتصاد نورث در حوزه نونهادگرایی، مکانیزم علمی و آگاهانه و واقع گرایانه است که راه توسعه یافتگی در حوزه اقتصاد سیاسی ایران را دستیابی به سیستم باز و رهایی از نظام دسترسی محدود با ساختار رانتیر معرفی می نماید. پژوهش های متعدد در ایران نشان از آن دارد که ساختار نظم دسترسی در ایران نظم دسترسی محدود است (مصلی نژاد، ۱۴۰۰: ۵۸۰-۵۸۵). می توان بر اساس مطالعات نورث در قالب نظم اجتماعی با دسترسی باز و ایجاد ساختار مشارکتی و دموکراتیک و توجه به نهادهای مدنی و اصل رقابت بر این مشکلات رهایی یافت. حرکت به سمت نظم دموکراتیک خود نیازمند امور اصلاحی متعدد از جمله تقویت حاکمیت قانون و حمایت از حقوق مالکیت، مبارزه با رانت نامولد، تقویت نهادهای مدنی و مهمتر از همه دوری از شخصی گرایی در کانون توجه دولتمردان قرار گیرد. درس بزرگی برای ایران است که بجای نگاه تمرکزگرایانه جهت دستیابی به توسعه، دولت باید نقش قابله گری و دستگیری داشته باشد تا موفق گردد.

درس مهم دیگر نظریه نورث برای توسعه یافتگی ایران، داشتن الگوی بومی توسعه و دوری از الگوهای جهانشمول است که منجر به شکست دولت‌ها و ملت‌ها در امر توسعه می‌گردد. چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی برنامه مدون بومی برای توسعه کشور تدوین نگردید. قبل از انقلاب به علت ارتباط تنگاتنگ مسئولان کشور با غرب سعی می‌شد نگاه تقلیدی غرب محورانه اجرا گردد و بیشتر رشد محور و وارداتی بوده و به توسعه انسانی توجهی نداشته است. بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۸ برنامه‌ای وجود نداشت و از این سال به بعد کابینه هاشمی و شخص آقای نوربخش وزیر اقتصاد و دارایی سیاست‌های بانک جهانی را اجرا می‌کرد. سیاست خصوصی سازی یک نوع شخصی کردن بود و نه خصوصی کردن و سیاست کارگزاران مبتنی بر رشد و نه توسعه اقتصادی بود (موثقی، ۱۳۸۵: ۳۳۰). در دهه اخیر الگوی ایرانی و اسلامی برای توسعه یافتگی مطرح گردید که باید از دستاورد نظریه نورث که عدم تقلید از الگوی وارداتی است بهره کافی ببرد.

طبق نظریه کاربردی نورث جهت گذر از نظم محدود به نظم باز در حاشیه قرارداد نظامیان و کنترل آن‌ها در امور سیاسی و اقتصادی مهم می‌باشد. در ایران نظامیان در اکثر زمان‌ها و در دولت‌های مختلف به ایفای نقش پرداختند و چند درصدی از کابینه دولت‌ها را نیز تشکیل دادند، ولی در دولت نهم حضور نظامیان در کابینه به ۲۵/۸۰ درصد رسیده بود (عیوضی و رضانی، ۱۳۸۹: ۶۸). از جمله انتقاد‌های وارده به دولت احمدی نژاد، حضور گسترده نظامیان در فعالیتهای اقتصادی است. از جمله این اقدامات واسطه‌گری فروش نفت ایران به شرکت‌های خارجی توسط بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، در اختیار گرفتن ۸ درصد از بودجه عمرانی کشور (در سال ۱۳۹۱ معادل ۴۰ هزار میلیارد تومان) توسط قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا و در نهایت واگذاری غیر قانونی شرکت مخابرات ایران به شرکت اعتماد مبین از شرکت‌های زیر مجموعه سپاه پاسداران اشاره کرد (خدابخشی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۵). نتیجه آن که ایران برای گذر به نظم باز مد نظر نورث، نیازمند کنترل نظامیان در امور اقتصادی و سیاسی می‌باشد تا تصمیم‌گیری در امور مذکور به کارشناسان خبره و متخصص داده شود تا کشور به نظم باز حرکت نماید.

توجه به تاریخ و فرهنگ یکی دیگر از درس‌های نظریه نورث برای ایران می‌تواند باشد. بازاندیشی و کنکاش در تجربیات گذشته با هدف شناسایی نقاط قوت و ضعف گذشته و اینکه برای ادامه مسیر، برنامه ریزان چرخ را از نو اختراع نکنند و به پله اول برنامه ریزی توسعه قرار نگیرند، بررسی آن تجربیات به روش علمی حائز اهمیت است (مهرعلی تبار فیروزجایی، ۱۴۰۱: ۳۸).

به عبارتی تاریخ را به نظریه اقتصادی وصل نمودن و دید فرایندی داشتن و از دید کوتاه مدت دست برداشتن کمک زیادی در نهادینه شدن توسعه دارد.

همانطور که می دانیم توجه به قانون یکی از مولفه های اساسی نظم اجتماعی نورث است. حاکمیت ضعیف قانون، محدودکردن ورود غیرفراستان به قالب های سازمانی، از طریق اعطای رانت، امتیازات و مجوزها به خودی ها از جمله مواردی است که در ساخت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دولت ها در ایران همواره دیده شده است (مومنی و حاجی نوری، ۱۳۹۶: ۲۴۱-۲۴۲). درس مهم دیگر نظر نورث برای تصمیم سازان ایران توجه به حاکمیت قانون و توزیع عادلانه مبتنی بر استحقاق منابع مهم است. تا در پرتو حاکمیت قانون، امیدها به سرمایه گذاری زیاد و با کاهش فساد زمینه توسعه پایدار فراهم گردد.

درس دیگر برای ایران از منظر نظریه نورث، تقویت حقوق مالکیت کارا در حوزه های مختلف جامعه و دولت باید از اولویت های سیاستگذاری توسعه کشور قرار گیرد. در ایران چشم انداز سرمایه گذاری به دلیل بی ثباتی اقتصاد کلان نامطمئن بوده و دسترسی به وام و اعتبارات برای بخش های مولد محدود است. مجموعه متغیرهای منتخب موثر بر امنیت حقوق مالکیت، نشان از وضعیت نامطلوب امنیت حقوق مالکیت بخصوص در بخش های مولد اقتصادی است. رتبه های حاکمیت قانون، کنترل فساد و استقلال دستگاه قضایی نیز با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارند و نشان از وضعیت نامطلوب امنیت حقوق مالکیت است (سرخه دهی، ۱۳۹۸: ۱۸۷-۱۸۶). تا حق مالکیت در ایران ارتقا نیابد و به وضعیت مطلوب نرسد دسترسی به توسعه با مشکلات اساسی روبرو خواهد شد.

نتیجه گیری

نظریه نظم اجتماعی نورث که در پی نارسایی های نظریه نوکلاسیک در توسعه بروز نموده، الگوی موفق و کاربردی در توسعه است که معتقد است توسعه حرکت از نظم دسترسی محدود به نظم دسترسی باز معنی می دهد و نیازمند الگوی درونزا و بومی است و دولت نقش محوری در رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی و یا برعکس ظهور بحران های اجتماعی و اقتصادی دارد. ایده جالبی که به دولتمردان پرهیز از شخصی گرایی، نزاع و خشونت و رانت غیر مولد، و دوری از تجاوز به حقوق مالکیت و ندادن امتیازات انحصاری به فراستان و همچنین تلاش برای غیر شخصی شدن، ائتلاف سازی و رانت مولد و حاکمیت قانون و آزادی های مشروع و رقابت اقتصادی باز و تغییر در

ماهیت رابطه عمودی دولت با نهادها و جامعه مدنی، و تغییر آن به رابطه افقی را پیشنهاد می‌کند. این نظریه علاوه بر مهار خشونت و حل مسأله رانت، معتقد به دوری از محیط رانتیری و بهبود کیفیت نهادی است. این نظریه مهم توسعه، نقش کلیدی در توسعه یافتگی کشورهای شرق آسیا از جمله چین داشته است و نظریه آزموده شده‌ای در بین صاحب‌نظران محسوب می‌گردد است و حاوی درس‌های مهم از جمله وجود جامعه دموکراتیک و سیستم باز، داشتن الگوی بومی، دوری‌گزینی از شخصی‌گرایی، وجود ائتلاف و همدلی، حاکمیت قانون و تقویت حقوق مالکیت کارا و بهبود کارکرد نهاد دولت، در دستیابی کشورها از جمله ایران، جهت دستیابی به توسعه است. با توجه به بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، تلاش دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی برای نهادینه شدن توسعه در ایران، به دلیل حاکم بودن نظم دسترسی محدود بر آن‌ها و همچنین خوب نشناختن نقش خود در امر توسعه در ورطه دولت‌گرایی و تمرکزگرایی گرفتار شدند و به جای تسهیل‌گری در فرایند توسعه و کمک به فضای رقابتی و بخش خصوصی، بیشتر نگاه شخصی‌گرایانه و متمرکز باعث شد تا توسعه در ایران نهادینه نگردد. بنابراین، بدون توجه به مشارکت مردم در قالب نهادهای مدنی و نداشتن نظریه‌ای بومی از توسعه و فقدان نگاه کارشناسی به تجربیات کشورهای توسعه یافته، نهادینگی توسعه دشوار به نظر می‌رسد. می‌توان با استفاده از مفاهیم و نظرات واقع‌گرایانه رویکرد نهادگرایی نوین داگلاس نورث، به توسعه کشور امیدوار بود. بنابراین با تأمل و بهره‌گیری از نظریه نظم اجتماعی داگلاس نورث و درس‌های این رویکرد نظری برای توسعه یافتگی ایران ضروری است.

منابع

- اشتری مهرجردی، اباذر و سرخه دهی، فاطمه (۱۳۹۹)، «اولویت‌های اقتصاد سیاسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با بررسی تطبیقی کشورهای شرق آسیا»، فصلنامه علمی برنامه ریزی رفاه توسعه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۴، پاییز، صص ۲۶۰-۲۳۳.
- احمدیان، قدرت‌الله؛ جان پرور، سجاد و نوری، مختار (۱۳۹۹)، «بررسی تحولات پارادایمی در حوزه توسعه، تحول از توسعه مدرن به نظریات معاصر»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال یازدهم، شماره ۴۴، پاییز، صص ۴۱۹-۴۰۳.

امامی، قاسم و فلاح نژاد، علی (۱۳۹۰)، *رویکردهای توسعه و جهان سوم*، خرم آباد: نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد.

بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، *جامعه شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران: نشر نی.

پیترز، جان ندروین (۱۳۹۷)، *نظریه توسعه (فرهنگ، اقتصاد، جامعه)*، چاپ سوم، ترجمه انورمحمدی، تهران: نشر گل آذین.

بخشایشی اردستانی، احمد؛ جمالی اسگویی، سیدجمال و بنی هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۹)، «اقتصاد سیاسی فساد در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال بیست و هفتم، شماره ۱۰۱، بهار، صص ۳۳-۵۸.

شالچی، وحید و قاسمی، روح الله (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی افزایش درآمدهای نفتی بر سیاستگذاری های دولت در نهادهای اقتصاد و سیاست: دو دوره ۱۳۵۶-۱۳۵۲ و ۱۳۸۹-۱۳۸۴»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، سال ۲۷، شماره ۸۰، بهار، صص ۶۱-۷.

مهرعلی تبار فیروزجایی، مرتضی (۱۴۰۱)، *گزارش فراتحلیل مطالعات هفتاد سال برنامه ریزی توسعه در ایران به منظور کاربردی در تنظیم نظام نامه تدوین برنامه هفتم توسعه کشور*، تهران: مرکز پژوهش های توسعه و آینده نگری سازمان برنامه و بودجه، کد شناسه ۱۰۳۷۹-۱۴۰۱-۱۰.

مومنی، فرشاد و حاجی نوروژی، شیما (۱۳۹۶)، «اقتصاد سیاسی خصوصی سازی همراه با فساد»، *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، سال هفدهم، شماره ۶۷، زمستان، صص ۲۵۲-۲۲۱.

مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۴)، «چشم انداز های فراروی تأمین اجتماعی در ایران: چالش ها و راه کارهای پیشبینی شده در لایحه نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی»، *مجله تأمین اجتماعی*، شماره ۱۵، زمستان، صص ۳۲۸-۲۸۹.

متوسلی، محمود؛ توحیدلو، سمیه و نیکونستی، علی (۱۳۹۲)، «باورها و عملکرد اقتصادی: بررسی تطبیقی آرای نورث و وبر»، *فصلنامه برنامه ریزی و بودجه*، دوره ۱۸، شماره ۲، تابستان، صص ۸۱-۹۸.

مصلی نژاد، عباس (۱۴۰۰)، «دولت، توسعه و بحران های اجتماعی ایران»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۵۱، شماره ۲، تابستان، صص ۵۸۷-۵۷۰.

- مصطفوی، سیدمحمد حسن (۱۳۹۶)، «مروری بر برنامه های توسعه کشور با تأکید بر برنامه ششم و مقایسه آن ها با معیار برخی شاخص های مرتبط با اقتصاد اسلامی»، **فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی**، شماره ۱۸، بهار، صص ۱۰۳-۸۳.
- مهدوی، ابولقاسم و نصیری اقدم، علی (۱۳۸۸)، «تطور برنامه پژوهشی یک اقتصاددان نهادگرا: داگلاس سیسیل نورث»، **جستارهای اقتصادی**، دوره ۶، شماره ۱۲، پاییز و زمستان، صص ۱۷۴-۱۴۹.
- مستولی زاده، سید محمد (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر توسعه با تأکید بر شاخص توسعه انسانی در سال های ۲۰۱۶-۱۹۸۰»، **فصلنامه راهبرد توسعه**، سال شانزدهم، شماره ۱، پیاپی ۶۱، بهار، صص ۷۸-۵۶.
- مومنی، فرشاد و نیکو نسبتي، علی (۱۳۹۶)، «رویکرد نهادی به توسعه و دلالت های آن برای ایران»، **فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی**، سال هفدهم، شماره ۶۴، بهار، ۱۹۹-۲۴۱.
- مومنی، فرشاد؛ شاکری، عباس، عرب مازار یزدی، علی و عظیمی دخت شورکی، سید محسن (۱۳۹۸)، «تحلیلی بر ویژگی های ضد فساد با تأکید بر ساختار نظم اجتماعی»، **سیاستگذاری اقتصادی**، سال یازدهم، شماره ۲۱، بهار و تابستان، صص ۱۲۴-۱۰۳.
- موثقی، سید احمد (۱۳۸۵)، «اقتصاد سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۷۱، بهار، صص ۳۱۱-۳۵۴.
- حسینی گلی، سید اسمعیل و ساعی، احمد (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی سیاستگذاری ایران و کره جنوبی در عرصه خودرو»، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز، صص ۲۹-۹.
- حیدری، محمدرضا؛ مقدم، وحید؛ باستانی فر، ایمان و مهرشاد، احمد (۱۳۹۵)، «دلالت های اقتصاد نهادگرای جدید برای تجویز دولت مطلوب در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت»، **اقتصاد و توسعه منطقه ای**، سال بیست و سوم، شماره ۱۲، زمستان، صص ۱۷۱-۱۵۲.
- حبیبی، مسعود (۱۳۸۹)، «جامعه شناسی دولت نهادی و توسعه صنعتی در ایران»، **فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی**، شماره ۱۶، صص ۷۰-۵۹.

حاج یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۶)، «اقتصاد سیاسی بین الملل: ریشه ها و روندها»، فصلنامه

رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۱۰.

حاجیلو، محمد حسین (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی سیاست های دولت های پس از جنگ تحمیلی

در شاخص های خصوصی سازی و ادغام در اقتصاد جهانی (مطالعه موردی دولت های

خاتمی و احمدی نژاد)»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۱،

زمستان، صص ۹۷-۱۱۴.

جدی، حسین (۱۳۹۸)، «بررسی تاثیر ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر ساختار سیاسی

آن با تاکید بر فرایند مردم سالاری»، سیاست متعالیه، سال ۷، شماره ۲۵، تابستان،

صص ۹۶-۱۱۲.

خیری دوست لنگرودی، زهرا، مومنی، فرشاد و عزیزاده، امیرخادم (۱۳۹۹)، «تاثیر و اهمیت فرهنگ

در مکاتب نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید»، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی،

شماره ۳۲، پاییز، صص ۷۸-۵۳.

خدابخشی، لیلا؛ خالدی، احسان و آسوده، رضا (۱۳۹۷)، «مقایسه شاخص های عملکرد اقتصادی

دولت ایران در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد با حسن روحانی»، فصلنامه

راهبرد سیاسی، سال دوم، شماره ۷۰، زمستان، صص ۹۹-۱۱۲.

رنجبرکی، علی (۱۴۰۰)، «اقتصاد سیاسی توسعه خواهی دولت در ایران بررسی نظریه دسترسی باز

و محدود داگلاس نورث در دوره جمهوری اسلامی»، دو فصلنامه علمی پژوهش سیاست

نظری، دوره جدید، شماره ۳۰، زمستان، صص ۱۸۴-۱۵۵.

رنانی، محسن (۱۳۹۵)، «نظم شکن در شکن»، فصلنامه دریچه، سال یازدهم، شماره ۴۰.

ریبعی، کامران (۱۳۹۹)، «دولت توسعه گرا و چالش های توسعه اقتصادی در ایران»، جامعه

شناسی تاریخی، دوره ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۱۴۳-۱۰۵.

رضا قلی، علی (۱۳۸۵)، «نهادهای غارتی در اقتصاد ایران (اگر نورث ایرانی بود)»، نشریه اقتصاد و

جامعه، شماره ۷، بهار، صص ۹۸-۹۶.

رضوی، سید محمد رضا و ایزد خواه، روح الله (۱۳۹۲)، «مقایسه نظریات مکاتب اقتصادی منتخب به منظور استخراج چارچوب نظری سیاست های صنعتی»، فصلنامه علمی پژوهشی

سیاست علم و فناوری، سال ششم، شماره ۱، پاییز، صص ۲۰-۱.

زاهدی، نسا و سرپرست سادات، سید ابراهیم (۱۳۹۷)، «اقتصاد سیاسی ایران از منظر نونهادگرایی»، دوفصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان،

صص ۱۳۱-۱۰۵.

عیوضی، محمد رحیم و رضانی، ملیحه (۱۳۸۹)، «بررسی پایگاه اجتماعی هیأت وزیران جمهوری اسلامی (۸۸-۶۸)»، راهبرد یاس، شماره ۲۴، زمستان، صص ۷۸-۴۱.

فوزی، یحیی (۱۳۹۵)، «تحول دولتها و عملکرد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، سال ۷، شماره ۳، زمستان، صص ۵۸-۲۷.

فراهانی فرد، محمدعلی (۱۳۹۷)، «نسبت رویکردهای فراتجربی در علم اقتصاد با حکمت عملی اقتصاد اسلامی»، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، سال ۲۴، شماره ۹۷، زمستان،

صص ۳۷-۱۶.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲)، سیاست های مقایسه ای، تهران: سمت.

قاراخانی، سلمان؛ رنانی، محسن؛ کریمی، زهرا و مومنی، فرشاد (۱۴۰۰)، «ایران در زیر چتر حاکمیت طبیعی (مطالعه موردی عصر پهلوی دوم)». فصلنامه علمی پژوهش های رشد و

توسعه اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۴۲، بهار، صص ۱۸۴-۱۵۵.

کلایی، محمدرضا؛ ناجی میدانی، علی اکبر؛ حسین زاده بحرینی، محمد حسین و گرجی، ابراهیم (۱۳۹۴)، «تحلیلی از انگاره فلسفی اقتصاد نهادی قدیم و دلالت های آن در حوزه اخلاق»،

فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، سال بیستم، شماره ۲، تابستان، صص ۱۴۲-

۱۱۵.

کریمی مله، علی (۱۴۰۱). «ارزیابی انتقادی کتاب خشونت و نظم اجتماعی، چهارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت شده بشر»، پژوهش نامه انتقادی متون و پژوهش های علوم

انسانی، سال ۲۲، شماره ۱، بهار، صص ۳۰۳-۲۷۹.

گرائی نژاد، غلامرضا، وفائی، الهام (۱۴۰۱)، گزارش ریشه یابی آسیب های نظام برنامه ریزی برای کاریست در تدوین نظام برنامه ریزی مطلوب، تهران: مرکز پژوهش های توسعه و آینده نگری سازمان برنامه و بودجه کشور.

نصراللهی آذر، یونس، حاتمی، عباس و شهرام نیا، مسعود (۱۳۹۸)، «نهادگرایی و توسعه، چالش های اقتصاد نهادی جدید در حوزه نظری و سیاستی پیرامون ایجاد توسعه (ارزیابی انتقادی)»، *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل*، دوره اول، شماره اول، پاییز و زمستان، صص ۲۶-۱.

نورث، داگلاس سی (۱۳۷۷)، *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمدرضا معینی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

نورث، داگلاس سی (۱۳۷۹)، *ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی*، چاپ اول، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: نشر نی.

نورث، داگلاس سی (۱۳۸۵)، «عملکرد اقتصادی در گذر زمان»، ترجمه مهدی بی نیاز، راهبرد یاس، شماره ۸، زمستان، صص ۳۰۰-۲۸۱.

نورث، داگلاس سی (۱۳۸۵)، *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، چاپ دوم، ترجمه محمدرضا معینی، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

نورث، داگلاس؛ والیس، جان جوزف و وینگاست، باری آر (۱۳۹۶)، *خشونت و نظم های اجتماعی، چهارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت شده بشر*، ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده، تهران: روزنه.

نورث، داگلاس؛ والیس، جان جوزف و وینگاست، باری آر (۱۳۹۵)، *سیاست، اقتصاد و مسائل توسعه در سایه خشونت*، ترجمه محمدحسین نعیمی پور و محسن میردامادی، تهران: روزنه.

Halper, S, (2010), **The Beijing Consensus: How Chinas Authoritarian Model will dominate the Twenty- first Century**, New York: Basic Books.

North, Douglass C. (1990), **Institution, Institutional Change and Economic Performance**, Cambridge University Press.

North, Douglass. C (1994), "Economic Performance through Time", **the American Economic Review**, Vol.84, No.3

North, Douglass C. (et al). (2007), Limited access orders in the developing world: A new approach to the problems of development .

North, D. C., Wallis, J., Joseph, W., & Barry, R. (2009a), **Violence and Social Orders: A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History**, Cambridge University Press.

Rutherford, M. (1995), "The Old and the New Institutionalism: can Bridge be built?" **Journal of Economic Issues**, Vol. 29

Salehi Esfahani and Esra Ceviker Gurakar (2014), "Social Order, Rents, and Economic Development in Iran since the Early 20th Century", **the Economic Forum**, WP 850.